فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc91444499)

[تزاحم بین حریم شخصی و وظایف تربیت حاکمیت 2](#_Toc91444500)

[ابعاد حریم شخصی 2](#_Toc91444501)

[عورات چیست 3](#_Toc91444502)

[بررسی نکته فقهی 4](#_Toc91444503)

[تعریف حریم شخصی 5](#_Toc91444504)

[پاسخ به سؤالات 5](#_Toc91444505)

[نتیجه نظرسنجی 5](#_Toc91444506)

[فرق حکومت و ورود با تخصیص و تخصص 7](#_Toc91444507)

[پاسخ به سؤالات 7](#_Toc91444508)

[ملاک حریم شخصی 7](#_Toc91444509)

[تزاحم حریم شخصی و دستگاه هدایتی و تربیتی 8](#_Toc91444510)

**بسم الله الرحمن الرحیم**

# پیشگفتار

# تزاحم بین حریم شخصی و وظایف تربیت حاکمیت

**اللهم كن لوليِّك الحُجَّةِ بن الحسن، صلواتُكَ عليه و على آبائهِ، في هذه السّاعة و في كلِّ ساعةٍ، وليّاً و حافظاً، و قائداً و ناصراً، و دليلًا و عيناً، حتى تسكنه أرضك طوعاً، و تُمتّعَهُ فيها طويلاً**

**وَ امْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ، وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ، وَ دُعَاءَهُ وَ خَيْرَهُ**

انشاءالله جلسه و زمان­های مورد عنایت حضرت مهدی علیه السلام باشد آنچه گفته می‌شود و شنیده می‌شود به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

عنوان بحث ما بررسی تزاحم بین حریم شخصی و انجام وظایف تربیتی حاکمیت است.

حاکمیت یک نهاد تربیتی است که در جلسه اول تبیین شد در حد اشاره، در جلسه دیروز جلسه دوم، تبیین عنوان حریم خصوصی شد با توجه به اینکه بعضی از عزیزان در آن جلسه نبود حریم خصوصی گفته شد که لیبرالیسیم یک مفهومی دارد که بر پایه انسان محوری و اصل آزادی و اصل تفرد افراد حق تنها بودن، حق تفرد مورد بررسی قرار گرفت و در دنیای لیبرالیسیم خیلی مورد توجه هست و تعریف­هایی که بر اساس نگاه‌های انسان‌شناسی در آنجا صورت می‌گیرد یک اصلی می‌دانند و به نوعی آیه قرآن انهاست اگر این مفهوم را بخواهند حذف کنند آن پایه‌های اصلی گفتمانشان به هم می‌ریزد لذا خیلی مراقب هستند که این مفهوم تا حد امکان در قدرت خود باقی بماند.

در فضای لیبرالیستی آن تعریف‌ها از تعریف فلسفی و انسان‌شناسی به تعریف حقوقی رفته است و بیشتر تصریح می‌کنند که حاکمیت و حکومت تا چه حد می‌تواند به اطلاعات مردم دسترسی داشته باشد

# ابعاد حریم شخصی

گفتیم از طرف دیگر ما در یک تعریف درون دینی و بر پایه ادله و شرعی و استدلالی و روایی به این نتیجه رسیدیم که حریم شخصی و حریم افراد دو بعد دارد.

۱- خود فرد چه حریمی دارد و آن حریم مشخص و تعریف بشود و پایه اصلی دلیل یا قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» بود که اموال و انفس شامل بعد مالکیت فردی و معنوی می‌شود

۲- بخش دوم ناظر به این بود که افراد دیگر تا چه حدی می‌توانند وارد حریم افراد بشوند و چه دلیلی داریم که افراد می‌توانند وارد آن حریم بشوند یا نه که گفتیم برای اینجا ما چند عنوان داریم و یک عنوان مستقل بر حریم شخصی دلالت نمی‌کند

مفاهیم جدید و مسائل مستحدثه اینها را بر پایه متناظر بر این مفهوم جدید هست از ادله برداشت کرد که از نظر روشی گفتیم که کسانی که می‌خواهند مفاهیم جدید مستحدثه را بررسی کنند اینها راهش این است که آن مفهوم را واکاوی کنند و ببینند آن مفهوم نزدیک به آن مفهومی که امروزه مطرح است چیست و ببینند آن مفهوم دلیل دارد یا ندارد.

ما وقتی مفهوم حریم شخصی را جستجو می‌کنیم حریم، ورود به آن حریم، اینها به یک سری از عناوین می‌رسیم که ادله از آن عناوین بحث شده است و بر پایه آن‌ها می‌توانیم حکم آن مسئله را هم به دست بیاوریم

از این منظر چند منظر دیدیم یک عنوان ممنوعیت تجسس و تفتیش، عنوان ممنوعیت عیب جویی مخفیانه که روایت عورات مسلمین یا عورات مومنین ادله ما بود که در روایات فرموده‌اند که ﴿**لَا تَتَبَّعُوا عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِين**[[1]](#footnote-1)‏﴾ در روایاتی از وجود آقا رسول الله فرمودند ﴿**يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يَخْلُصِ الْإِيمَانُ إِلَى قَلْبِهِ لَا تَذُمُّوا الْمُسْلِمِينَ وَ لَا تَتَبَّعُوا عَوْرَاتِهِم**[[2]](#footnote-2)‏‏﴾ اینجا نهی انشایی هم هست دلالت بر حرمت دارد که تبعیت نکنید و جستجو نکنید و در پی عورات مسلمین نباشید

# عورات چیست

در لغت گفته شده است عورات آن چیزی است که افراد معمولاً مخفی می‌کنند و به بدن انسان هم از این جهت گفته شده است یا در لغت به خانه عورات گفته شده است به این جهت که انسان آنچه درون خانه هست معمولاً می‌پوشاند

می‌گوید آنچه را که دیگران از شما حفظ می‌کنند وارد نشوید و دنبال آن نروید

در عنوان دیگر که بسیار مهم است عثرات المؤمنین را بیان کرده‌اند که روایت بیان می‌کند که این روایت از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم هست که می‌فرماید ﴿**لَا تَتَبَّعُوا عَثَرَاتِ الْمُسْلِمِين**‏[[3]](#footnote-3)﴾ وقتی می‌گوید مسلمین یعنی قید به مومنین ندارد شامل همه کسانی که در جامعه اسلامی هستند البته حرمت آن در مورد مسلمین هست جا دارد بحث شود که در این جور موارد این حرمت برای کفار و افراد دیگر هست یا نیست، ولو اینکه در این دلیل نباشد رعایت آن قوانین جامعه ولو مثلاً کسی در انگلیس زندگی می‌کند و همسایه‌های او مسیحی هستند این هم عقلا مذموم می‌دانند ورود به حریم شخصی آن افراد را اگر ادله اینچنین که مقید به مؤمنین و مسلمین نباشد عقلا مذموم می‌دانند

ادله دیگر هم هست که افراد را به صورت مطلق از اینها دور می‌کند مثل آیه در مورد ممنوعیت تجسس گفتیم نهی دارد ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**[[4]](#footnote-4)﴾ به مومنین می‌گوید تجسس نکنید دیگر نمی‌گوید از مومینن یا غیر مومنین حالا آنجا که می‌فرماید ﴿**لَا تَتَبَّعُوا عَثَرَاتِ الْمُؤْمِنِين**[[5]](#footnote-5)﴾ آنجا حرمت مضاعف پیدا می‌کند برای مؤمنین پس حکم این است که حرمت برای من دارد هر چند طرف ایمان هم نداشته باشد.

اینجا که منی که بیرون هستم و من که غیر هستم می‌خواهم وارد حریم شخصی آن فرد بشوم حرام است حال آن شخص انسان فاسقی باشد فرقی ندارد. چون این عمل ناظر به من است و من نمی‌توانم وارد آن حریم بشوم یعنی نباید وارد بشوم. این حکم حرمت است.

آن ادله‌ای که می‌فرماید ﴿**لَا تَتَبَّعُوا عَثَرَاتِ الْمُؤْمِنِين**﴾ یا ﴿**لَا تَتَبَّعُوا عَثَرَاتِ الْمُؤْمِنِين**﴾ یا ﴿**الْمُسْلِمِين**﴾ اینجور مواقع یک سوالی پیش می‌اید آیا این روایتی که مطلق می‌گوید ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**﴾ یا در روایت دیگر می‌گوید ﴿**لَا تَتَبَّعُوا عَثَرَاتِ الْمُؤْمِنِين**﴾ که یک خاص از آن عام است بالاخره تتبع عثرات یک نوع تجسس است این چه می‌شود اینجا روایت یک مصداق از آن را بیان کرده است یعنی همان حکم است فقط اینجا یک مصداق را بیان کرده است بعضی وقت روی منبرها گفته می‌شود اینجا که اورده است، تعریف کرده، ترجمه کرده است، توضیح داده است معلوم می‌شود که آنجا هم که کلی گفته است منظور اینجا بوده است یعنی یک جور قید می‌زنند لابد این ادبیات را هم شنیدید این جور وقت‌ها افراد به اشتباه می‌گویند اینجا که توضیح بیشتری داده است معلوم می‌شود منظور از آن کلی هم این بوده است اینجا چه جور می‌شود آنجا که فرموده است ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**﴾ اینجا هم می‌گوید ﴿**لَا تَتَبَّعُوا عَثَرَاتِ الْمُؤْمِنِين**﴾ یا ﴿**الْمُسْلِمِين**﴾ معنی این می‌شود آنجا هم که گفته است ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**﴾ در مورد تجسس کردن در مورد مومنین و مسلمین است بعضی اینجور برداشت می‌کنند در حالی که بخواهیم فنی وارد بشویم علت اینکه عزیزان وارد این جلسه شده‌اند این بوده است که می‌خواهند مفاهیم را فنی پیگیری کنند.

اصول بحث شده است ما وقتی یک مطلق و مقید داریم این جا اگر در این موارد مقید نمی‌کند مطلق را و قید نمی‌زند چون هر دو جمله مثبتین هستند وقتی هر دو مثبتین باشند اصولیین می‌گویند اینجا قید نمی‌زند. یک جا می‌گوید تجسس نکنید یک جا می‌گوید در مورد مؤمنین تجسس نکنید این جور نیست که اطلاق را قید بزند و بعضاً این اتفاقات که می‌افتد نشان می‌دهد آن فرد آن اتقان و قدرت لازم فقهی و اصولی را ندارد که اینجور برداشت می‌کند.

# بررسی نکته فقهی

حالا که قید نمی‌زند اینجا صرفاً مصداق را بیان می‌کند می‌توانیم بگوییم بله مصداقی بیان می‌کند

اما یک نگاه هم این است که بگوییم به ویژه افرادی مثل آقای اعرافی خیلی تأکید دارند که هر جمله جدیدی باید مفهوم جدیدی داشته باشد خیلی از ادبا هم این را می‌گویند مولا وقتی جمله جدیدی و عنوان جدیدی را در موردش بحث می‌کند اصل این است که حرف جدیدی می‌خواهد بزند. حرف جدید این چیست؟ حرف جدید اینجا همان تأکید و آکدیت است یعنی این حرمت در مورد مؤمنین موکد است و حرمت بیشتری دارد.

# تعریف حریم شخصی

حریم شخصی ایجاد یک حریم و حرزی است برای افراد که از طرفی ادله می‌گوید دیگران وارد نشوند و از طرفی به خود فرد بر پایه قاعده الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم می‌گوید خودت مالک خود و نفست هستی الا ما خرج بالدلیل. الا آن جاهایی که ادله شرعیه می‌گوید شما مالک نیستی، مثلاً ادله شرعیه می‌گوید شما مالک آبروی خود نیستید. یعنی اینجور نیست که من دوست دارم اینجوری رفتار کنم.

اما اموالت را می‌توانی در معاملات مختلف استفاده کنی مگر آن دلیل لا ضرر و لا ضرار، یک ضرر متنابهی ضرر قابل توجهی اگر به تو برسد شاید شامل قاعده لا ضرر بشود

ولی اگر به حد ضرر متنابه نباشد تصرفات شما جایز هست و کسی هم حق ندارد نسبت به شما حرفی بزند

اینجا سؤال پیش می‌اید آیا فضایی مثل ماشین حریم شخصی هست یا خیر؟ فضای خانه بیرون خانه حریم شخصی هست یا نه؟

# پاسخ به سؤالات

حریم شخصی تقسیم شد از منظر اینکه دیگران رعایت کنند دلیل آن‌عدم تجسس و ممنوعیت استراق سمع بود از جهت اینکه خود فرد یک حقی دارد قاعده الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم است.

بر اساس این تعریف مثلاً ماشین حریم شخصی هست یا نسیت؟

[استاد در این بخش از دانش پژوهان پیرامون اینکه خودرو حریم شخصی هست یا خیر نظر سنجی کرد]

# نتیجه نظرسنجی

سه دیدگاه شد، دیدگاه اول حریم شخصی هست

دیدگاه دوم؛ حریم شخصی نیست

دیدگاه سوم؛ تفصیل

بر پایه قاعده الناس مسلطون علی اموالهم ماشین اموال انسان است در آن نشسته است از این جهت حریم شخصی است پس این دلیل کسی که می‌خواهد بگوید حریم شخصی است می‌گوید مال و ملک من است و هر کاری که بخواهم انجام می‌دهم در مقابل کسی که می‌گوید نیست دلیل او علی القاعده می‌گوید ماشین وقتی در خیابان می‌اید افراد این ماشین را می‌بینند اگر صوتی را بگذارید، صوت را می‌شنوند و این دیگر از آنجایی که دیگران می‌بینند و می‌شنوند حریم شخصی نیست

ما در بحث امر به معروف و نهی از منکر که یک کم ریزتر است وارد بشویم.

اگر یک صحنه‌ای در ماشین دیدیم می‌توانیم امر به معروف کنیم یا خیر؟

از نگاه غربی به صورت مطلق ماشین را با آن مفاهیمی که دارند حریم شخصی می‌دانند مثلاً کسی بیاید صحنه خشونت‌آمیزی را در خیابان در ماشین انجام می‌دهد علی القاعده خیر است.

پس همینطور که خیلی از عزیزان فرموده‌اند نمی‌شود راحت گفت بر اساس درون دینی و چه بر اساس تعریف‌های حقوقی که امروزه هست واقعا چیزهایی مثل ماشین را که هم جنبه بیرونی و هم جنبه درونی دارد (داخل خانه جنبه درونی‌اش بسیار زیاد است کسی خبر از درون خانه ندارد مگر با صدا که در حدی باشد که دیگران را آزار بدهد که آن قسمت که بیرون می‌آید هر چه که بیرون باشد دیگر حریم فرد و شخص نیست حتی بر پایه تعریف­های حقوق بین المللی و غربی) حالا من درون ماشین وسیله‌ای را گذاشتم و مالک آن هستم کسی نمی‌تواند از من بپرسد این وسیله را چرا در ماشین گذاشته ای؟

اما آنجا که بقیه می‌بینند و بقیه می‌شنوند، بقیه مطرح می‌شود و تأثیر در اجتماع دارد آیا حریم شخصی است؟ شیشه را پایین بدهد و هر صدای خشنی را ایجاد بکند؟ بعد بگوید حریم شخصی است.

عزیزی که گفتند اگر شیشه دودی داشته باشد اگر واقعا یک طوری باشد که دیگران ببینند آنجا دیگر تصویر بیرونی حریم افراد نیست. الان شهرداری می‌گوید باید ساختمان شما نما داشته باشد و نما این خصوصیات را باید داشته باشد پشتوانه عقلی دارد برای این که نمای شهر برای شما نیست و برای همه است، درست است از جهتی برای شماست و تا حدی می‌پذیریم ولی یک حداقلی راباید در نما رعایت کنید و از این جهت که من حیث مجموع آن خانه‌های آن شهر و آن کوچه در کنار هم حقی را برای ما به عنوان یک شهروند ایجاد می‌کند که دوست نداریم که شهرمان کریه المنظر باشد عقلی بحث می‌کنم مثلاً ما اگر ادله شرعی نداشته باشیم عقل خودش خیلی از مسائل را جلو می‌برد عاقلانه این است که به صورت اجمالاً بالجمله بعضی از ابعاد زندگی ما هم بعد بیرونی پیدا می‌کند وقتی بعد بیرونی پیدا می‌کند دیگر حریم شخصی نیست به ویژه وقتی مفاهیم شرعی و ادله درون دینی وارد می‌شویم دیگر این را بهتر درک می‌کنیم.

در امر به معروف و نهی از منکر آنجایی که حریم داخلی افراد است -دقت کنید-؛ ما یک بحثی به عنوان حکومت داریم، اصلا ادله‌ای مثل لا ضرر و بحث حریم شخصی اینها حکومت دارد اگر جایی بحث لاضرر پیش آمد امر به معروف و نهی از منکر کنار می‌رود یعنی یک ضرر متنابه گاهی یک امری میشود و او هم فحشی می‌دهد این ضرر حداقلی است اگر ضرر متنابهی باشد اینجا امر به معروف را کنار می‌زند و حکم را از شما بر می‌دارد. مثلاً روزه با ضرر متنابه از بین می‌رود

بعضی از مسائل اینجوری هستند این از آن دقت­هایی است که من خواهش می‌کنم دقت کنید به این نکات کلی و اینها مخصوص این جلسه نیست، آن فوت‌های کوزه‌گری تفقه در مسائل جدید است

از جمله همین بحث حریم شخصی، حریم شخصی هم نوعی حکومت دارد به احکام، مثلاً امر به معروف و نهی از منکر، در حریم شخصی اصلا جریان پیدا نمی‌کند. معنی ندارد شما یک چیزی را تجسس کنید بفهمید دیگران چه کار کرده‌اند تا نهی از منکر کنید اصلا می‌گوید چرا وارد شدید؟ اصلا این نوع از امر به معروف و نهی از منکر به حکومت خارج می‌شود حکومت اینجا معنا پیدا میکند یعنی ادله شرعی کلا موضوع آن را بر می‌دارد و منتفی می‌کند.

چون ورود آن‌ها هم مولوی هست اینجا بحث حکومت و ورود پیش می‌آید.

# فرق حکومت و ورود با تخصیص و تخصص

این است که یک نوع ورود حاکمیتی دارد مثلاً می‌گوید عالمان را اکرام کن بعد می‌گوید المتقی من العلماء منِ شارع متقی را هم عالم می‌بینم پس این را هم اضافه کن اگر در شهر صد عالم هست این را هم اضافه کن مثلاً پنج نفر متقی داریم می‌شود ۱۰۵ نفر.

اینجا چه دلیلی اورده است؟ لغت می‌گوید متقی هم جزو آن هست؟ می‌گوییم نه، لغت نیست بلکه ادله به صورت حکومت هست و دایره موضوعی را تغییر می‌دهد.

خیلی از مسائل از جمله بحث حریم شخصی احکام را بر می‌دارد و به آنجا می‌رسد که مساله را موضوعاً منتفی می‌کنند مثل حریم شخصی، قاعده لاضرر، اینها قاعده‌های بسیار مهمی هستند.

# پاسخ به سؤالات

در مورد نهی از منکر یک خانمی اگر من با تجسس به اینجا برسم که این نسبت به نامحرم رعایت نمی‌کند اصلا اینجا نهی از منکر نیست من قبل آن دچار حرامی شده‌ام که تجسس کرده‌ام اما چیزی را انسان می‌بیند این خانم وارد ماشین شده است من می‌بینم که آن حکم اسلامی را رعایت نکرده است این را چون من می‌بینم دیگر حریم شخصی نیست چون دیده می‌شود

گفتم آنجا که می‌گوید ﴿**وَ لا تَجَسَّسُوا**﴾ این جا یک قالب را بیان می‌کند یعنی مدل ورودتان مدل ورود مخفیانه نبوده است تجسس، جَسَسَ، به معنای کشف ظریفانه یک مسئله است اما گفتیم از این منتقل می‌شود شما چه چیزی را کشف ظریفانه کرده اید؟ چیزی را که مخفی است البته عورات و عثرات کامل دلالت بر مخفی بودن در بعد مخفی در لغات دارد. عورت چیزی است که افراد مخفی می‌کنند یعنی کلمه مخفی هست اما در کلمه تجسس خودش کلمه مخفی نیست اما بالملازمه هست چیزی را که ما مخفیانه و ظریفانه آن را کشف می‌کنیم آن مخفی است یعنی موضوع یک امر مخفی است. اگر مخفی نباشد دیگر تجسس نیست اگر مخفی نباشد من می‌توانم نهی از منکر کنم.

# ملاک حریم شخصی

۱- ملک شخص باشد اگر ملک افراد باشد نمی‌توان ورود کرد این دو نکته همراه هم است

۲- بحث مخفی بودن است

۳- از آن جهت نوع ورود یعنی قالب ورود است یعنی تجسس مخفیانه و به صورت مرموزانه و غیر معمول باشد.

اگر این سه مسئله با هم جمع بشود حریم شخصی به وجود می‌آید.

اما ملکی که مخفی باشد حریم شخصی است ملکی که در خیابان دیده می‌شود یک تصویر ملک شخصی افراد است، یک فیلم ملک شخصی افراد است اما این فیلم را روی دیوار خانه‌اش به نمایش بدهد یا این تصویر را به شیشه ماشین بزرگ بزند و بقیه ببینند، آیا این ملک است؟ خیر.

چون در مفهوم غربی ملک مد نظر است ولی ما سه مسئله داریم ملک باشد، مخفی باشد اگر مخفی نبود آن ملک شخصی هست مال اوست ملک فیزیکی هست کسی دیگر حق ندارد آن را بردارد اما بعد حریم شخصی دیگر ندارد.

مطلب سوم؛ در ما این است که ورود، ورود تجسسانه باشد، اگر تجسسی نباشد یعنی من همینجور می‌بینم این دو با هم ملازمه دارند ورود تجسسی و مخفی بودن، و مخفی نباشد آن دیگر حریم شخصی نیست

در آپارتمان اگر شخصی بگوید بچه من می‌خواهد در حریم شخصی‌ام بازی کند آزاد هست اما اگر بازی بچه طوری باشد که موجب اذیت همسایه بشود این چگونه است؟ اینها قابل بررسی است در ماشین هم همینطور است.

در مورد نماز؛ یک نفر نماز نمی‌خواند نماز چون یک امر شخصی است عمده افراد در خانه می‌خوانند چون زمان نماز وسیع است من یک ساعتی از این زمان را در خانه بودم اگر بخواهیم کشف کنیم این نماز ظهر را نخوانده است تا ساعت ۴ در اداره بوده است و اذان ساعت ۷ بعدازظهر است شاید بعد از ساعت ۴ خوانده است یک مقدار لازمه‌اش تجسس است اینجا باید چه کار کرد؟

نهی از منکر وقتی به وجود می‌آید نهی از منکر اول باید بفهمید که منکری به وجود آمده است یا نه حق ندارید برای فهم اینکه منکری به وجود آمده است یا نه تجسس کنید چون کار حرامی انجام داده‌اید اگر این بحث فقهی است اگر از راه حرامی به این نتیجه رسیدم که این منکر انجام شده است یا این عمل حرام انجام شده است این جای بحث است یک مقدار هم بحث حقوقی پیش می‌آید مثلاً یک نفر از راه تجسس فهمید دو نفر رابطه نامشروع دارند یا یک نفر دزدی کرده است بعد از این راه تجسس به مسئله‌ای رسیدید باید حد را اجرا کنید؟ آن بحث حقوقی دارد و اینجا بحث فقه تربیت است خیلی نمی‌خواهیم به مسائل حقوقی نگاه کنیم اما از نظر فقه تربیت نگاه تربیتی دارد شما نباید نگاه می‌کردید که این فرد نماز می‌خواند یا نمی‌خواند، مگر مواردی که آنجا ادله به شما جواز ورود داده باشد

بعضی از فقها مثلاً آقای زنجانی آورده‌اند بر پایه دلیل ﴿**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ ناراً**[[6]](#footnote-6)﴾ آنجا می‌گویند تجسس در مورد فرزند و همسر اشکال ندارد البته با قیودی که می‌گویم

# تزاحم حریم شخصی و دستگاه هدایتی و تربیتی

بحث امروز تزاحم حریم شخصی با فعالیت‌های تربیتی بود

در مورد نماز خواندن نباید ورود تجسسی بکنیم که این فرد نماز می‌خواند یا نه؟ اما اگر فهمیدیم که این فرد نماز نمی‌خواند چون از راه غیر معمول از راه حرام به این نتیجه رسیدیم نباید این را به عنوان نماز نخوان مورد عتاب قرار بدهید چون کار حرام کردید و تجسس کردید.

یک نفر فرزند شماست و استثناها فرق می‌کند یا در فضای محدودی هستید مثلاً نماز صبح است در اردویی هستید می‌گویند واجب نیست بقیه را بیدار کنید الا اینکه ببینید به نماز بی‌اعتنایی می‌شود می‌گویند اینجا اشکال ندارد که افراد را بیدار کنید در حدی که بی‌احترامی و بی‌اعتنایی به نماز نشود.

مثلاً در اتوبوس نشسته‌اند بقیه نماز نمی‌خوانند من زود بیدار شدم نماز صبح بخوانم باید بقیه را امر به معروف کنم، نه در این جور موارد شبهه پیش می‌آید که نهی از منکر انجام شده است نماز صبح نمی‌خواند ولی شبهه پیش می‌آید که حرف من أثر دارد یا ندارد دیگر امر به معروف و نهی از منکر وجوب ندارد.

حال امر به معروف نباشد مثلاً در فضای اردویی و پارک هستید اذان بگویید خود این اذان یک جور دعوت دیگران است این قاعده دعوت است قاعده نهی از منکر نیست گاهی اشتباه می‌شود هر چیزی را انسان دیگران را به کار خوبی ببرد امر به معروف و نهی از منکر نیست دقت کنید هر وقتی من دیگران را به سمت خیر جلب کردم امر به معروف و نهی از منکر نیست که استعلا باید باشد بعضی وقت‌ها دعوت است ﴿**ادْعُ إِلى‏ سَبيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَة**[[7]](#footnote-7)﴾ قاعده دعوت به خیر داریم.

دعوت به خیر است و استحباب هم دارد امر به معروف نیست

در رساله‌ها این ضعف هست عمدتاً فکر می‌کنیم هر بحثی که ناظر به دعوت دیگران و جلب به سمت کار خوب باشد امر به معروف است و نهی از کار بد باشد نهی از منکر است بعد گفته می‌شود نهی از منکر هنری، خیلی از این‌ها نهی از منکر هنری نیست دعوت هنری است بر پایه دعوت، دعوت به خیر یا بر پایه قاعده هدایت یا بر پایه قاعده ارشاد جاهل، فقط قاعده امر به معروف و نهی از منکر نیست، امر به معروف و نهی از منکر آن بعد استعلایی‌اش که شما می‌خواهید دیگران را نهی کنید

اینها را می‌گویم که دقت کنید ما در این جلسات آمده‌ایم که دقت فقهی ما اضافه بشود.

سؤال: تجسس حرام است ولی اگر کشف شد نهی واجب است یا نه؟

جواب: در بعضی از موارد نه، در بعد تربیتی واجب نیست، بدون استثنائات. مثلاً تجسس کنید که یک دختری با کسی ارتباط دارد یا خیر؟ شما نباید نهی کنید چون حرام انجام داده‌اید چه کسی گفته است شما به این نتیجه برسید ما فقه تربیت می‌گوییم رعایت حریم شخصی فلسفه دارد چون حکمت تربیتی داشته است مولا گفته است وارد نشوید مولا هدفش ولنگاری نیست در فرهنگ غرب اصل بر لذت است اصالة اللذه من به دنیا آمده‌ام لذت ببرم و کسی نباید مانع لذت من بشود.

این مطلب خیلی مهمی است بحث ما در مورد حریم شخصی است حریم شخصی در اسلام فلسفه و حکمت دارد از جمله تشییع فاحشه، اسلام خواسته است فحشا پخش نشود یک خانم یا یک اقایی نماز صبح نخوانده است بین رفقا بنشیند این بگوید من نماز صبح نخوانده ام، دیگری بگوید من نماز صبح نخوانده ام، نفر بعد هم بگوید بعد یک جوری طبیعی می‌شود و فکر می‌کند کار خاصی نکرده است یا فحشا و گناهی باشد هر چه بیشتر بگوییم

پس این تجسس حکمت دارد یکی این است که اشاعه فحشا نشود بعضی جاها زیاد گفتن فساد باعث معمولی شدن فساد می‌شود

نکته دوم این است که از بعد روانشناختی اگر کسی کاری را مخفی انجام می‌دهد هنوز قدرت بر ترک دارد طرف آمد خدمت حضرت گفت یک نفر مسائل خودارضایی مشغول است بعضی گفتند جلوی دیگران انجام می‌دهد یا خودش انجام می‌دهد گفتند این نشان می‌دهد که او یک روزی این کار را ترک می‌کند کسانی که مخفیانه گناه را انجام می‌دهند یک قدم جلو هستند بالاخره در ۵۰٪ زندگی‌شان آن گناه را ترک می‌کنند این را خراب نکنید اگر بداند همه می‌دانند دیگر در آن پنجاه درصد دیگر زندگی هم انجام می‌دهد می‌گوید دیگران هم که فهمیدند

پس دقت داشته باشید ما می‌خواهیم بگوییم از لحاظ تربیتی رعایت حریم شخصی فلسفه دارد و چون فلسفه دارد اینجور نیست که نهی از منکر را از هر طریقی برسیم اصلا قبلش حرام انجام دادید که تجسس کردید نباید نهی از منکر کنید چون منکر نشده است

خیلی مواقع مفاهیم مثل منکر، عرف در آن دخیل است منکر یعنی چه؟ مثلاً یک دختر و پسر با هم دیگر علنی ارتباط دارند اما اگر مخفی بود یا کسی مخفیانه عکس و فیلم دیده است حرام هست، گفتند نهی از منکر، نه نهی از حرام، چرا دقت نمی‌کنیم چرا در مسائل فرهنگی دقت نمی‌کنیم منکر تعریف دارد. منکر حرام نیست

شارع بی‌خود کلمات را نمی‌گوید بازی با کلمات نیست.

لذا در تربیت بحث تغافل را داریم

موارد استثنا را که خود شارع می‌فرماید اینجا می‌توانید وارد شوید و تجسس کنید

سؤال: گفتند تجسس حرام است ولی وقتی کشف شد آیا نهی واجب نیست

جواب: جنبه حقوقی را من کار ندارم جنبه تربیتی به جز جایی که استثنا شده است شاید بتوان گفت اینجا منکری به وجود نیامده است چون فرد اینجا حرام را مخفیانه انجام می‌داده است و سیره اهل بیت علیهم السلام این نبوده است سیره اهل بیت علیهم السلام بر مخفی بودن بوده است

ادله لاضرر و لا تجسسوا ادله حاکمه بر ادله دیگر می‌شود

سؤال: در مورد بازی بچه‌ها در آپارتمان عرف دخیل است؟

جواب: عرف دخیل است اینها مفاهیم عرفی هستند غیر از بحث‌های حقوقی خیلی وقت‌ها مفاهیم عرفی است بعضی وقت‌ها عناوین دیگر می‌آید مثل عناوین ایذاء، عرف این را ایذاء می‌داند؟ در تشخیص عناوین عرف دخیل است.

1. - امالی شیخ مفید، ص 141 [↑](#footnote-ref-1)
2. - کافی، ج 2، ص 354 [↑](#footnote-ref-2)
3. - وسائل الشیه، ج 12، ص 276 [↑](#footnote-ref-3)
4. - سوره حجرات، آیه 12 [↑](#footnote-ref-4)
5. - وسائل الشیه، ج 12، ص 276 [↑](#footnote-ref-5)
6. - سوره تحریم، آیه 6 [↑](#footnote-ref-6)
7. - سوره نحل، آیه 125 [↑](#footnote-ref-7)